اولین قدم به طرف صلح

شاهرخ

روز 14 صفر در تاریخ این جنگ جهانگیر صفحهء بسیار شایان‏ رقّتی را مینمایاند.در این روز دولت آلمان و متّحدین او که هنوز مشغول‏ جشن فتح بخارست بودند رسما بدشمنان خود پیشنهاد صلح نمودند و بعالمیان آشکار داشتند که غرور ظفر وجدان آنانرا از درک حسیّات‏ عالیهء انسانیّت مانع نیامده و با وجود آنکه فتوحات اخیر در رومانی از حیث‏ نظام و اقتصاد درهای امیدواری فردا را بروی آنها گشوده است باز محض‏ خاتمه دادن باین خونریزیها و آدم‏کشیها حاضرند که از روی بزرگواری‏ چشم از تعقیب نتایج مهمّ این فتح پوشیده و دست آشتی بسوی دشمنان‏ خود دراز نمایند.

در این روز از چهار پایتخت برلن،وینه،اسلامبول و صوفیه متّفقا آواز صلح‏خواهی بلند شده در اقطار عالم منعکس گردید.صدر اعظم‏ دولت امپراطوری بتمن هلوگ با نمایندگان دول بیطرف و با وزرای ایالات‏ متّحدهء آلمان مجلسن نموده در خصوص حاضر بودن دول اتّحاد برای‏ دخول در مذاکرات صلح با ایشان صحبت داشته و در این خصوص متّحد المآلی بتوسّط نمایندگان اسپانی و ایالات متحّدهء امریکا و سویس که حامی‏ منافع تبعهء آلمان در ممالک دشمن هستند بمتّفقین فرستاد.ساعت‏ دو بعد از ظهر در«رایشتاخ»نطق غرّرائی نمود که خلاصهء آن از قرار ذیل است:

ابتدا از جدّ و جهد بیهودهء دشمنان در شکافتن صفوف آلمان و متّحدین‏ و از فتح سریع متّحدین در رومانی سخن رانده از جمله گفت:«ضرب‏ شمشیر ما دانرهء اقتصاد را نیز برای ما وسعت داد چه مبالغی هنگفت حبوبات‏ و نفت و آذوقهای دیگر در رومانی بدست ما افتاد اکنون در کار حمل‏ و نقل آنها میباشیم و از این قرار عفریت قحط و غلائی که از جانب دشمنان‏ وسیلهء تهدید ما بود بجان خود آنها افتاده است و نقشهء جنگی و شجاعت‏ بی‏مانند سربازان ما موقعی برای ما تدارک نموده که استحکام فولاد دارد....».

سپس صدر اعظم بخدمت مدنی اجباری که بتازگی در آلمان بمیان آمده‏ و موافق آن هر آلمانی تندرستی از هفده ساله تا شصت ساله مجبور بقبول خدمتی است اشاره نموده گفت:وقتیکه جنگ با شدّت تمام در کار است‏ «رایشتاخ»باسم خدمت امدادی بوطن یک ترتیب تازهء برای دفاع‏ و حمله ایجاد نموده و امروز در پشت قشون جنگجو ملّت کارکن ایستاده‏ و قوّت و قدرت مدهش ملّت تماما بطرف مقصدی یگانه و مشترک منعطف‏ است...بدون آنکه خاطر خود را مشغول یاوه‏سرائیهای دشمن که‏ گاهی ما را خونخوار و دارای مقاصد جهانگیری و گاهی مضطّر و ناامید و گدای صلح بقلم میدهد بنمائیم با یک قدم استوار مدام در پی قصد خود میرویم و دائم با عزم راسخ مهیّای دفاع و مبارزت در راه حیات ملّت خود و آیندهء آزاد و مطمئن او میباشیم.در صورتیکه هم در این حال‏ حاضریم که هر دقیقه دست بسوی یک صلحی که با مقاصد فوق موافقت‏ نماید دراز نمائیم.چه قدرت ما را در محضر خدا و ملّت و انسانیّت کور نموده است!»

در اینجا صدر اعظم صورت متّحد المآلی را که متّحدین بدول بیطرف‏ فرستاده‏اند و قبلا بدان اشاره شد قرائت نموده و میگوید:«امروز ما مسئلهء صلح را در میان آورده‏ایم و جواب آنرا از طرف دشمنان خود با وقر و سکونی که ناشی از قوّت ما در داخل و خارج و از وجدان آرام‏ ماست منتظر خواهیم شد و اگر آنها از قبول صلح امتناع ورزیده بار ضمانت نتایج و خیمهء آنرا که بسنگینی یک دنیاست بدوش خود بکشند و محض پیروی مقاصد جهانگیری و حرص و طمع از جلوگیری این قتل عامّ‏ رخ بتابند شعلهء غضب در دل هر آلمانی شراره خواهد زد ولو آنکه آن‏ آلمانی در محقّرترین کلبه‏ها سکنی داشته باشد.در این ساعت که در سر نوشت ما ساعتی است بس تاریخی تصمیمی که ما کرده‏ایم بزرگ است و در خون صد هزارها فرزندان و برادران ما که جان خود را فدای‏ امنیّت وطن نموده‏اند آغشته شده است.در این جنگ عمومی مال که‏ مدهش‏ترین مصایب زمین از طرفی و بزرگترین آثار شجاعت و عزم انسانی‏ از طرف دیگر مشهود گردیده بطوی که تا بحال چشم و گوش انسانی نشنیده‏ و ندیده است فراست آدمی از کشف حقایق امور عاجز است ولی خداوند داناست و حکم خواهد نمود!»

و بالاخره صدر اعظم در پایان نطق خود گفت:«ما میخواهیم با سر فرازی و بیباکی راه خود را تعقیب نمائیم در حالیکه هم مصمّم بمداومت جنگ‏ هستیم و هم حاضر برای صلح!»

صورت متّحد المآلی که دولت آلمان و متّحدین او عثمانی و اتریش و بلغار بدولی که با آنها در جنگند فرستاده‏اند از این قرار است:

«دو سال و نیم است که جنگی چنان مهیب که مانند آنرا تاریخ یاد ندارد در کار ویران نمودن یک قسمت بزرگ دنیاست.این بلای عظیم که روابط یک‏ دورهء تمدّن مشترک هزار ساله نتوانست از آن جلوگیری نماید در کار مضمحل نمودن‏ گرانبهاترین ترکهء عالم انسانیّت میباشد و نزدیک است که ترقیّات اخلاقی و مادّی را که در آغاز قرن بیستم مسیحی اسباب سربلندی اروپا بود رد زیر خاکستر خود مدفون نماید.

«در این میدان مبارزت آلمان و متّحدین او اتریش و بلغار و عثمانی با فتوحات‏ نمایانی که نمودند قوّهء شکست‏ناپذیر خود را بدشمنان که از حیث عدد و مهمّات‏ تفوّق داشتند فهمانیدند و صفوف پابرجای آنها در مقابل حملات پی در پی دشمنان در همه‏جا مردانه مقاومت مینمایند.از حملهء ناگهانی اخیری هم که در بالکان بر ضد ما پیش آمد با شتاب و فتح کامل جلوگیری کردیم و واقعات اخیره آشکار داشت که‏ طول مدّت جنگ قوّهء مقاومت ما را نمیتواند درهم شکند بلکه رویهمرفته اوضاع‏ کنونی بما حقّ میدهد که امیدوار به کامیابیهای دیگر هم باشیم.

دول متّحدهء چهارگانه برای دفاع حیات و آزادی ترقّی و تکامل ملّی خود مجبور بحمل سلاح گردیدند و شاهکارهای قشون آنها تغییری در آن حاصل ننموده و دقیقهء در خاطر انها خطور ننموده که رعایت حقوق ملل دیگر با حقوق و منافع حقّهء آنها منافی‏ است.آنها اصلا درصدد فنا و اضمحلال دشمنان خود نیستند.دول متّحدهء چهارگانه با وجود آنکه بقدرت نظامی و اقتصادی خود مطمئنّند و در صورت لزوم حاضر هستند که جنگی را که بر آنها تحمیل شده تا آخرین دم استمرار دهند با اینهمه چون میخواهند که جلوی سیل خون را گرفته و پایانی باین جنگ هولناک بدهند متّفقا پیشنهاد مینمایند که از همین حالا داخل در مزاکرات صلح بشوند و یقین دارند که پیشنهادهائی که در صورت صلح اظهار خواهند داشت و راجع خواهد بود بتأمین حیات و شرف و ترقّی‏ آزاد ملل خود،مبنی براساس استقرار یک صلح ممتدّی خواهد بود.چنانچه این‏ پیشنهاد صلح بجائی نرسد و جنگ دوام پیدا نماید دول متّحدهء چهارگانه بر سر آنند که تا بیک پایان مظفّری نرسند دست از جنگ برندارند و در مقابل عالم انسانیّت و تاریخ‏ بار ضمانت آنرا آشکارا از دوش خود برمیدارند.

«دولت امپراطوری مفتخرا بتوسّط حضرتعالی از دولت...خواهشمند است‏ که مرحمت فرموده اظهارات فوق را بدولت...مخابره نمایند».

خواه مسئلهء صلح بجائی برسد یا نه این حرکت آلمان و متحدین او در حقیقت یک نصرت معنوی است که در تاریخ اهمیت آن بیشتر از فتوحات دیگر خواهد بود.دول اتّفاق از اول جنگ در مقابل قدرت‏ آلمان و متّحدین که هرروز بر طومار فتوحات خود فتح تازهء میافزودند متوسّل به بهتان و افترا که حربهء ضعیفان است گشته و باران دروغ را بعالم‏ فرو ریخته و آلمان را در وسط اروپا مانند گرگ گرسنهء قلم دادند که در میان گلهء گوسفندی افتاده و در کار دریدن آنها باشد و خود را شبان‏ دلسوختهء این گلّهء بیصاحب خواندند و چنان وانمود کردند که ملّت آلمان‏ فقط در هوای مشوب با دود باروت و بوی خون میتوانند تنفّس کند و از صلح و صفا بیزار و متنفّر است و ملل دوردست هم که راه رسیدن اخبار از آلمان بآنها مسدود بود ممکن بود کم‏کم بالطّبع فریفتهء بهتانهای انگلیس‏ و متّفقین بشوند ولی این پیشنهاد صلح آنچه را که دشمنان در مدت دو سال و نیم رشته بودند پنبه کرد و عالمیان را بحقیقت امر که علوّ همّت‏ و صفای نیّت متّحدین و خدعه و نفاق دستهء دیگر متخاصمین است مطّلع‏ داشت.

حالا هم البتّه جراید لندن و پاریس و پترسبورگ مسلک خود را فراموش ننموده و پیشنهاد صلح دول اتّحاد را دلیل ضعف آنها قلم خواهند داد ولی جواب آنانرا خوب است از جانب روز نامهای ممالک بیطرف داد.روزنامهء سوئدی«استخلمس داگبلاد» میگوید:مطبوعات متّفقین حتما سعی خواهد نمود که پیشنهاد صلح‏ دول مرکزی را علامت ضعف آنان جلوه دهد ولی دول مرکزی‏ در جواب آنها فقط بیک کلمه میتوانند اکتفا نمایند و آن کاه‏ «بخارست»است!